

رمان‌های جنگ

معرفی، خلاصه و تحلیل کوتاه

تدوین: ابراهیم حسن بیگی

حسن‌یگی، ابراهیم، ۱۳۳۶-

نقدی بر رمان‌های جنگ / [حسن‌یگی]. -- تهران: مهر تابان،

۱۳۸۴.

۶۰۴ ص.

ISBN: ۹۶۴-۸۲۶۹-۱۶-۵

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. جنگ ایران و عراق -- ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- داستان -- تاریخ و نقد.

۲. داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد. الف. عنوان ۸۶۳۰

/۶۲۰۹۳۱

م ۸۴-۲۰۴۱۷

PIR ۳۸۶۹

۷۷ ح-۴۶

رمان‌های جنگ

تدوین: ابراهیم حسن‌یگی

صفحه آرا: فرهنگ عمرانی

تایپ: هنگامه پرین

ناشر: موسسه‌ی فرهنگی مهر تابان

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۸۲۶۹-۱۶-۵

تلفن بخش: ۶۶۹۱۱۶۱۷ - ۶۶۹۲۹۲۹۹

نشانی: خ آزادی، خ شهید کلهر، تقاطع کلهر، شماره‌ی ۱۸۰، واحد ۲

فهرست

- پیش گفتار ۹
- آرمین، منیژه سرود ارون درود ۲۱
- ابراهیم جی، محمد اگر باز آیی ۳۳
- ابوطالب، سعید سر بر شانه ستاره ۴۳
- احمدی، حسن به خاطر پرندها ۵۵
- اکبرزاده محمود برخورد ۶۳
- اکبری مازندرانی، احمد زیر درخت آلبالو ۷۵
- امیرخانی، رضا ارمیا ۸۳
- امیریان، داوود آخرین سوار سرنوشت ۹۵
- ایید، طاهره دورگردون ۱۰۵

۱۱۵.....	بروجردی، اعظم..... خواب سبز عشق.....
۱۲۳.....	بهمنی، کاوه..... جنگی که بود.....
۱۳۳.....	بنی‌عامری، حسن..... گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند.....
۱۴۷.....	جابری، حسن..... مهر سرخ.....
۱۵۵.....	جان قلی، منیژه..... در جست و جوی من.....
۱۶۷.....	جانه، احمد..... زن، جنگ، امید.....
۱۷۹.....	حسن بیگی، ابراهیم..... نشانه‌های صبح.....
۱۹۱.....	حسن بیگی، ابراهیم..... ریشه در اعماق.....
۲۰۳.....	حسن‌زاده، فرهاد..... مهمان مهتاب.....
۲۱۵.....	حنیف، محمد..... گل‌های یخی.....
۲۲۳.....	خادم، حسن..... در همسایگی ما.....
۲۳۵.....	خانیان، جمشید..... کودکی‌های زمین.....
۲۴۵.....	خانیان، جمشید..... سبور.....
۲۵۷.....	خرامان، مصطفی..... به جای دیگری.....
۲۶۷.....	خرمالی، هادی..... چشمانم زنده است.....
۲۷۹.....	خسرو شاهی، جهانگیر..... زخم‌دار.....
۲۸۷.....	خورشیدی، حسین..... پرنده مهاجر.....
۲۹۹.....	دهقان، احمد..... سفر به گرای ۲۷۰ درجه.....
۳۱۱.....	روانی پور، منیرو..... دل فولاد.....
۳۲۳.....	زرهانی، سید احمد..... سید خندان.....
۳۳۵.....	زمانی‌نیا، مصطفی..... به شب ماه می‌آد.....
۳۴۵.....	شاه‌آبادی، حمید رضا..... چشم‌های روشن.....
۳۵۹.....	شکویی، مسعود..... طالع باز یافته.....

- عاکف، سعید..... رقص در دل آتش..... ۳۶۹
- غفارزاده مهر داد..... نیمه‌های فراموشی..... ۳۷۹
- غفارزادگان، داوود..... زخمه..... ۳۹۱
- فراست، قاسمعلی..... گلاب خانم..... ۴۰۳
- فراست، قاسمعلی..... نخل‌های بی سر..... ۴۱۳
- فصیح، اسماعیل..... باده کهن..... ۴۲۳
- فصیح، اسماعیل..... اسیر زمان..... ۴۳۳
- فصیح، اسماعیل..... ثریا در اغما..... ۴۴۳
- فصیح، اسماعیل..... زمستان ۶۲..... ۴۵۱
- قیصری، مجید..... جنگی بود، جنگی نبود..... ۴۶۱
- کاتب، محمد رضا..... دوشنبه‌های آبی ماه..... ۴۷۱
- کوشان، منصور..... محاق..... ۴۸۳
- گل محمدی، رنجبر..... طلوع در مغرب..... ۴۹۱
- مالکی، حسین..... مدار جنون..... ۵۰۱
- محمدعلی، محمد..... نقش پنهان..... ۵۱۳
- محمود، احمد..... زمین سوخته..... ۵۲۵
- مخملباف، محسن..... باغ بلور..... ۵۳۹
- مؤذنی، علی..... نه آبی، نه خاکی..... ۵۴۹
- مؤذنی، علی..... ملاقات در شب آفتابی..... ۵۵۹
- معظمی گودرزی، عزت الله..... دیار آشنا..... ۵۷۳
- ملکی، محمد رضا..... باغ بهشت..... ۵۸۵
- وکیلی، شهرم..... خاک سرخ..... ۵۹۵

پیش گفتار

تاریخ همیشه روایتگر صادقی نیست، اما هیچ گاه از روایت و نقل ماجرا باز نمی‌ایستد. تاریخ در هر دوره ای قصه های دوران پیشین را نقل می‌کند و وقایع را، زشت و چه زیبا، به تصویر می‌کشد.

صحت روایات تاریخی و حلاوت نهفته در آن ارتباط مستقیمی با اصحاب قلم دارد. نویسندگان ذهن و زبان تاریخند و نوشته های آنها درباره یک واقعه به بایگانی تاریخ سپرده می‌شود تا سال ها و بلکه قرن ها بعد، نسلی جویای دانستن، آنها را از ضمیر تاریخ بیرون بکشد.

همه دانسته های تاریخی بشر، مرهون همت و تلاش نویسندگانی است که در دوره های پیشین نسبت به وقوع حوادث کوچک و بزرگ بی تفاوت نبوده اند، آنها را به ثبت رسانده اند و به حافظه تاریخ سپرده اند.

اگر طبری‌ها و بیهقی‌ها نبودند؛ اگر عظاملک جوینی‌ها و عبدالله مستوفی‌ها رنج نوشتن را بر خود همواره نمی‌کردند، امروز ملت ایران چه چیزی از تاریخ اجداد و سرزمین خود می‌دانست؟

پشت هر روایت تاریخی نام نویسنده‌ای نهفته است که او وقایع را یا خود دیده یا از تحقیق و پژوهش به دست آورده است.

این مقدمه را گفتم تا به واقعه‌ای اشاره کنم که به تاریخ خواهد پیوست. هیچ اراده‌ای نمی‌تواند مانع پیوستن آن به تاریخ باشد، اما اراده‌های بسیاری قادرند در صحت و سقم آن ذهن تاریخ را مغشوش و پریشان کنند؛ مگر این که نویسندگان قدرتمند، با طرح درست واقعه، مانع انحراف تاریخ شوند.

در آستانه قرن بیست و یکم، سرزمین ایران شاهد دو واقعه بزرگ بود. هر دو واقعه آن قدر عظیم و سترگ بودند که کسی در تاریخی شدن آنها شکی به خود راه نمی‌دهد، هر چند مخالفان این دو واقعه قادر خواهند بود با تشکیک در ریشه‌های آن خللی در واقعیت‌ها به وجود آورند، اما اصل داستان، ماجرای است که ده‌ها و بلکه صدها سال بعد تاریخ روایت خواهد شد.

این دو واقعه، یکی پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دیگری جنگ هشت ساله عراق علیه ایران است. از انقلاب اسلامی می‌گذرم که موضوع سخن این پیش‌گفتار نیست، اما جنگ و تأملی در باب آن موضوعی است که این‌سطور به واسطه آن رقم می‌خورد.

جنگ هشت ساله ما چه خوب باشد چه بد، چه زشت باشد چه زیبا، چه ما آن را دوست داشته چه از آن متنفر باشیم، پدیده‌ای است که به وقوع پیوست. واقعیتی بود که ما هشت سال شاهد آن بودیم. بلایای خانمان سوزش را تحمل کردیم و رنج‌ها و مصائبش را بردوش کشیدیم. جنگ از کشته‌های ما پشته ساخت و داغ فرزندان را بر هزاران دل دردمند پدرها و مادرها نشاند. رنج فراق پدرها و مادرها را بر سینه کوچک



و معصوم کودکانمان باقی گذاشت و ثروت‌های مادی و معنوی ملتی که نسل را به یغما برد. جنگ هر چه بود، زشت بود و کریه، رنج بود و درد، مصیبت بود و آه. آهی گداخته از ژرفنای روح.

از سوی دیگر جنگ چون تدافعی بود، میدان‌های رزمش، پر حماسه بود و غرور؛ پر ایمان بود و تقوا؛ نور بود و روشنای امید؛ امیدی که با ذره ذره نجات خاک میهن از گام‌های تجاوز دشمن، شعف و غروری ملی و مذهبی را بر همه قلب‌های شکسته و جنگ زده می‌پاشاند.

جنگ ما نیز مانند همه جنگ‌ها سکه‌ای دو رویه داشت، هر چند در هشت سال وقوع آن، ما به ضرب یک روی آن اهتمام ورزیدیم تا از شور حماسی ملت نگاهیم، اما بعدها ذره‌ای انصاف لازم بود تا بپذیریم و پذیرفتیم هیچ جنگی مقدس نیست، و آنچه تقدس می‌یابد دفاع در برابر تجاوز است.

به حق جنگ ما جنگ کوچکی نبود، بزرگ‌ترین جنگ خاورمیانه طی یک قرن اخیر بود. به لحاظ عرض و طول جغرافیایی ده‌ها کیلومتر میدان داشت. برای ما ۲۲ میلیارد دلار هزینه، هزاران کشته و مجروح و اسیر و مصیبت‌هایی به همراه داشت که با هیچ عدد و رقمی نمی‌توان آنها را بیان کرد.

هر چه بود، این جنگ گذشت و دوران سازندگی آغاز شد. بر تأثیری که جنگ بر این دوران گذشت هم کاری نداریم. چیزی نخواهد گذشت که ملت ما یادمان سی، چهل و حتی پنجاهمین سالگرد پایان آن را برگزار خواهد کرد.

هر چه زمان به پیش می‌رود و هر چه ما از جنگ دور می‌شویم تاریخ آن شکل می‌گیرد. تدوین می‌شود. این تاریخ را فقط ما نمی‌نویسیم. عرب‌ها و اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها هم می‌نویسند و هر کسی از منظر خویش به این واقعه نگاه می‌کند. خوشبختانه گذشت زمان بسیاری از برداشت‌ها و تصورات را صیقل داده است. تحلیلگران سیاسی هر چند به دنبال دستیابی به اهداف خود هستند، اما گاهی به ناچار

واقعیت‌هایی را بر زبان می‌آوردند که پیش از آن و در طول جنگ بر زبان نمی‌آورد. یکی از این واقعیت‌ها، اقرار به متجاوز بودن عراق در جنگ است. در دوران جنگ، هیچ تحلیلگر غربی حاضر نبود صدام را به عنوان متجاوز بشناسد و محکوم کند. یا نقش و مشارکت آمریکا و دولت‌های غربی مانند آلمان و فرانسه و شوروی را در حمایت از صدام نیز موضوعی بود که بعدها گفته شد، و مجموعه این اعترافات به تاریخ جنگ کمک می‌کند تا بعدها بتوان واقعیت‌ها را آن گونه که بوده، عنوان کنیم. اما جنگ ما فراتر از آمار و ارقام، در بُعد انسانی قابل مطالعه و بررسی است. موضوعی که فقط هنرمندان و نویسندگان می‌توانند تصویر گر آن باشند. آمار وقتی به ما می‌گوید فلان تعداد در جنگ کشته یا مجروح شدند، خبری است که بار عاطفی و انسانی ندارد.

در برابر هر رزمنده‌ای که به شهادت می‌رسد ده‌ها سؤال می‌توان مطرح کرد و به کنکاش زندگی او پرداخت. به اندیشه‌ها و تفکرات او نقب زد و تصویر روشنی از آمال و آرزوهایش ارائه داد که جز در داستان و رمان نمی‌توان به آنها پرداخت. قلم یک نویسنده است که با درهم آمیختگی واقعیت با خیال، انسانی یا واقع‌ای را به ذهن تاریخ می‌سپارد و جاودانه می‌سازد.

با آغاز جنگ و اشغال بخش‌هایی از خاک ایران، وحدت حماسی روزهای انقلاب در بین ملت به وجود آمد و این در شرایطی بود که ایران پس از انقلاب در موقعیت بحرانی و پیچیده‌ای قرار داشت. جنگ‌های داخلی در کردستان و پیش از آن در ترکمن صحرا، ارتش و سپاه پاسداران سازماندهی نشده را به خود مشغول کرده بود. انحلال دولت موقت و روی کار آمدن بنی صدر به عنوان رئیس جمهوری و عدم انسجام لازم بین سه قوه، مشکلات اقتصادی و جایگزین نشدن قانون در همه ارکان اجتماع، مشکلاتی بود که حکومت جوان ایران را رنج می‌داد. از سوی دیگر

توطئه‌های آمریکا و طراحی کودتای نوزده سبب شده بود که ایران در ضعیف‌ترین موقعیت نظامی خود در صد سال اخیر قرار بگیرد.

در چنین شرایطی، حمله رژیم عراق به ایران و اشغال بخش‌هایی از خاک کشور، ملت و دولت را به سوی وفاق ملی سوق داد تا در مدت زمان کوتاهی بتوانند نیروهای ارتش، سپاه و بسیج مردمی را سازماندهی و به سوی جبهه‌های جنگ روانه کنند.

حماسه ملت ایران در دوران هشت سال دفاع مقدس، زمانی وسعت و معنای واقعی خود را می‌یابد که بدانیم ایران از سوی همه دولت‌های غربی و شرقی تحت محاصره اقتصادی قرار گرفته بود و تهیه مهمات جنگی و مایحتاج عمومی مردم جز از بازار آزاد و به صورت قاچاق میسر نبود.

در این میان، جنگ دغدغه اصلی مردم بود. نویسندگان و روشنفکران اما دغدغه دیگری داشتند. آنها فجایع انسانی بی شماری را به چشم می‌دیدند؛ صدای بمب‌های انبوهی را که بر سر مردم و مراکز اقتصادی کشور فرود می‌آمدند، می‌شنیدند؛ محاصره اقتصادی را می‌فهمیدند و همسویی آمریکا، غرب و جهان عرب با صدام را می‌دیدند، اما حاضر نبودند در کنار مردم قرار بگیرند یا حتی اگر قادر به شرکت در جنگ نباشند، لااقل با قلم خود مردم را همراهی کنند یا با یک دقیقه سکوت خود بر گور به خون خفته شهدای جنگ، قیام کنند.

اغلب نویسندگان و روشنفکران جامعه ایرانی که از همان ابتدای پیروزی انقلاب ساز مخالفت با نظام جمهوری اسلامی را سر داده بودند، جنگ را نه یک تجاوز ظالمانه و آشکار و یک دشمنی قسم خورده، بلکه محصول سیاست اسلام خواهی رهبران انقلاب می‌دانستند و خواهان خاتمه آن از سوی ایران بودند، بی آن که درباره ادامه اشغال خاک ایران و عقب نشینی از آن، طرح و پیشنهادی داشته باشند.

بدیهی است که در چنین اوضاع و احوالی، حماسهٔ دفاع مردم، راهی به دنیای هنر و ادبیات نمی‌یافت و به تصویر کشیده نمی‌شد.

به نظر می‌رسید که انقلاب اسلامی و جنگ که فاقد هر نوع حامی و پشتیبان خارجی بود، باید در حوزهٔ فرهنگ و هنر، جبهه‌ای تازه در داخل خود می‌گشود و چنین شد که به قول آن امیر لشکر شعر و ادبیات که بعدها رحل اقامت در آمریکا گزید، عده‌ای نوجوان قلم به دست گرفتند و ادبیات دفاع مقدس را شکل دادند و به این ترتیب تنها چند ماه پس از آغاز جنگ، نخست شعر و سپس داستان جنگ متولد شد.

هیچ کس نمی‌تواند از ساختارگرایی این نوع ادبیات دفاع کند، همان‌طور که کسی هم نمی‌تواند به سلامت نفس این داستان‌ها و شعرها ایرادی بگیرد و آن را طفلی عقب مانده و نامیمون بنامد.

ادبیات داستانی آن ایام، اگرچه فاقد ساختار ادبی قابل قبول بود، اما تولدی بود که مرور زمان به آن شکل و فرم داد و توانست خلا موجود را در بُعد ادبی جنگ پر کند. داستان‌های جنگ در آن دوران عمدتاً در روزنامه‌ها و نشریات ادبی منتشر می‌شد. بعدها ناشران نوپا عمدتاً با گرایش مذهبی این مجموعه داستان‌ها را به چاپ می‌رساندند.

شکل‌گیری ادبیات داستانی جنگ تابع قوانین و برنامه‌ریزی خاصی نبود. هیچ سازمان و ارگانی را نمی‌توان طراح و حامی چنین ادبیاتی نامید. ادبیات جنگ نخست کاملاً خودجوش و پراحساس پا گرفت و بعدها قوام و انسجام لازم را به دست آورد. ادبیات داستانی دفاع مقدس را می‌توان به دو دورهٔ زمان جنگ و زمان پس از جنگ تقسیم و شکل و محتوای آنها را بررسی کرد.

گفتیم در زمان جنگ، ادبیات دفاع مقدس کاملاً خودجوش و اغلب از سوی کسانی بود که تجربهٔ کافی در کار نوشتن نداشتند به همین دلیل داستان‌های باقی



مانده از آن دوران از استحکام ادبی لازم برخوردار نبود و مرحوم احمد محمود تنها نویسنده پیشکوتی بود که با نوشتن رمان «زمین سوخته» وقایع مهم آغاز جنگ در مناطق جنوبی کشور، از جمله شهر اهواز را به تصویر کشید، و به جز محمود، نویسندگان با تجزیه دیگر قدمی در این خصوص برنداشتند، اما نویسندگان جوان علاقه‌مند به انقلاب اسلامی که عمدتاً خود جزء رزمندگان بودند، نخست نوشتن داستان کوتاه و بعدها نوشتن رمان را سرلوحه کارهای خود قرار دادند.

مضمون اغلب این داستان‌ها حوادث جبهه‌های جنگ و مستند به شنیده‌ها و دیده‌های نویسندگان آنها بود. بنابراین برخورد احساسی با جنگ، شعارزدگی، سطحی‌نگری و بی‌توجهی به مبانی ساختاری و ادبی را باید از ویژگی‌های آثار این دوره از ادبیات دفاع مقدس دانست، اما هر چه زمان می‌گذشت و ما به پایان جنگ نزدیک‌تر می‌شدیم، شاهد استحکام نسبی ادبی و پرهیز از برخوردهای احساسی و شعارزدگی در داستان‌های جنگ بودیم.

ایثار و از خودگذشتگی، شهادت طلبی، تکلیف دینی برای دفاع از انقلاب و اسلام، عشق و علاقه به مبانی دینی و رهبر انقلاب اسلامی و مقدس بودن مسأله دفاع از جمله مفاهیم مهم داستان‌های این دوره است. با این حال باید پذیرفت که ادبیات داستانی این دوره، به لحاظ ساختار ادبی و هنری ادبیات قابل دفاعی نبوده و نیست.

عده‌ای بر این باور بوده و هستند که ادبیات واقعی جنگ پس از پایان آن خلق می‌شود و این نظریه بیشتر از سوی نویسندگانی عنوان می‌شود که در طول جنگ حاضر به نوشتن داستان یا رمانی در خصوص جنگ نبودند؛ نویسندگانی که در آن دوره شدیداً مورد انتقاد سایر اهل قلم و اصحاب جراید بودند.

شاید بتوان گفت که باطل بودن این نظریه را انتشار رمان‌های «زمین سوخته» احمد محمود و «زمستان ۶۲» اسماعیل فصیح اثبات کرد و نشان داد که نویسندگان پیشکسوت اگر رنگی در کفش‌های خود نداشتند، می‌توانستند وظیفه خود را به عنوان

یک ایرانی شرافتمند ادا کنند. بعدها این نویسندگان با گذشت قریب ۱۰ سال از پایان جنگ و نوشتن داستان یا رمان دربارهٔ جنگ، نشان دادند که مسأله نوشتن داستان‌های جنگ چندان ربطی به مسأله زمان ندارد.

اما دورهٔ دوم ادبیات دفاع مقدس، دورهٔ کوشش و تلاش نویسندگان در خلق آثار برتر بود.

پس از پایان جنگ نخست شاهد آفت چشمگیر داستان‌های جنگ بودیم. نوشتن که در دوران جنگ برای بسیاری از نویسندگان جوان و نو قلم، به عنوان یک تکلیف دینی محسوب می‌شد، با پایان جنگ به صورت تکلیفی ساقط در آمد و اغلب نویسندگان از نوشتن باز ماندند. البته این مسأله تنها متوجه ادبیات داستانی نبود، بلکه سایر هنرها از جمله هنرهای تجسمی، تئاتر، سینما و شعر نیز دچار آفت شدید کمی شد.

بعدها - شاید دو سال بعد بود که متولیان فرهنگی کشور به فکر حفظ آثار و ارزش‌های جنگ افتادند. آنها به خوبی آگاه بودند که در حفظ آثار جنگ وظایفی به عهده دارند و این ارزش‌ها را نباید به حال خود رها کنند تا به ورطهٔ فراموشی سپرده شوند. بنابراین ارگان‌هایی نظیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، معاونت فرهنگی بنیاد جانبازان و ... به موازات هم به تشویق و ترغیب نویسندگان و هنرمندان به خلق آثاری درخصوص جنگ پرداختند.

مهم‌ترین آثار باقی‌مانده از این تلاش همسو، صدها جلد کتاب خاطرات رزمندگان و اسرای جنگ، وقایع روزشمار و تحلیل رویدادهای جنگ، داستان و رمان و شعر و تهیه چندین فیلم سینمایی با موضوع جنگ بود که در میان آنها باید کتاب‌های خاطرات را مهم‌ترین و باارزش‌ترین آثار باقی‌مانده دانست. آثاری که بعدها می‌تواند دست مایه خلق آثار بسیاری از هنرمندان قرار گیرد.

اما ادبیات داستانی در این دوره به دلیل فروکش احساسات تند زمان جنگ و جاگزینی منطق و خردگرایی و عقلانیت ناشی از تجربه و توانمندی نویسندگان، به مرتبه و درجه قابل توجهی ارتقا یافت.

در این دوره اغلب قالب‌های داستانی، از داستان کوتاه به رمان و داستان بلند تغییر یافت. نویسندگان داستان‌های جنگ در سایه تجربه‌هایی که به دست آورده بودند، و فرصت مناسبی که برای نوشتن داشتند، توانستند آثار قابل توجهی خلق کنند، آثاری که البته به نسبت عظمت جنگ، از استحکام لازم برخوردار نبود. در واقع، موفقیت نویسندگان در این دوره را باید موفقیتی نسبی دانست.

دفاع ملت ایران در برابر تجاوز ارتش بعث و خلق حماسه‌های نادر و به یاد ماندنی، از چنان بزرگی و عظمتی برخوردار بود که به حق بیان همه آنها و پرداختن به جزئیات آن کاری است دشوار و توانمندی ادبی بالایی را می‌طلبد. به همین علت ما معتقدیم آثار به جا مانده از جنگ، باوجود همه ویژگی‌های مثبت آنها، آثاری نیستند که توانسته باشند همه ابعاد جنگ را به تصویر بکشند و باید منتظر بود که شاهکارهای ادبی جنگ یکی پس از دیگری خلق شود.

از جمع‌بندی آنچه در سال‌های پس از جنگ به چاپ رسیده است، می‌توان به این نتایج دست یافت :

۱. رویکرد نویسندگان در این دوره به رمان و داستان بلند بیش از داستان کوتاه بوده است.

۲. آثار این دوره نسبت به دوره قبل به لحاظ تنوع و فرم و توجه به صناعات ادبی و تلاش برای رسیدن به تکنیک و ساختار مناسب قابل توجه است. نویسندگان با استفاده از تجربه به دست آمده کسب توانمندی‌های ادبی و پرهیز از برخوردهای احساسی با مقوله جنگ، توانستند در حد قابل ملاحظه‌ای سطح آثار خود را ارتقا بدهند.

۳. کنش و واکنشهای منطقی نویسنده و شخصیت‌های داستانی، پرهیز از شعارزدگی و بروز احساسات تند و اتخاذ مواضع سیاسی و حذف قابل توجه ردپای نویسنده در اثر، از ویژگی‌های دیگر آثار این دوره است.

۴. در آثار دوره اول، مکان وقوع داستان اغلب جبهه‌های نبرد بود، اما در آثار دوره دوم، شاهد آثار مربوط به پشت جبهه‌ها نیز هستیم. جنگ شهرها، مسائل خانواده‌های رزمندگان، تأثیر شهادت یا اسارت آنها بر افراد خانواده و مشکلات ریز و درشت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از جنگ دست‌مایه آثار بسیاری از داستان‌ها و رمان‌های این دوره محسوب می‌شود.

۵. موضوع اسیران آزاد شده جنگی یعنی آزادگان و نیز مسائل جانبازان و خانواده‌ها شهادت از موضوعات مهم بسیاری از رمان‌های این دوره است که البته حمایت بنیاد جانبازان از چاپ این نوع کتاب‌ها را باید مزید بر علت دانست.

۶. در آثار این دوره، نویسندگان بدون دغدغه‌خاطر به ویرانی‌ها و مصائب جنگ نیز پرداختند. در واقع آن روی سکه جنگ را نیز به تصویر کشیدند. در این نوع آثار مسائل انتقادی از نارسایی‌ها، سوء مدیریت و بی‌توجهی به خانواده رزمندگان بی‌پرده بیان می‌شد که البته جهت‌گیری کلی نویسنده مثبت و انتقادهای در جهت سازندگی بود.

۷. در این دوره شاهد چاپ آثاری بودیم که عده‌ای به آنها داستان‌های ضد جنگ گفتند. داستان‌های ضد جنگ به داستان‌هایی اطلاق می‌شد که نویسندگان آنها در مقابل جنگ موضع منفی داشتند و این موضع به معنی انتقاد از عملکرد و سوء رفتارها نبود، بلکه جنگ و خرابی‌های ناشی از آن را متوجه نظام حکومتی ایران می‌کردند که البته چاپ این نوع آثار با واکنش‌های منفی و انتقادآمیز بسیاری از مردم مواجه شد که بعضاً برخی از این آثار از سطح جامعه جمع‌آوری می‌شد و یا حتی مجوز چاپ نمی‌گرفت.

به هر حال آثار این دوره را باید آغاز دوران شکوفایی ادبیات دفاع مقدس نامید. گام‌های بزرگ و خوبی برداشته شد، و در واقع راه برای برداشتن گام‌های بعدی هموار شد.

به عقیده بسیاری از صاحب نظران، این آثار قابلیت تبدیل شدن به فیلم و سریال و تئاتر را دارند. ساخت فیلم و سریال از روی این آثار، به مراتب تأثیرگذارتر از مطالعه کتاب خواهد بود. مشکلات تهیه کتاب و تجدید چاپ نشدن برخی از این کتاب‌ها، ما را بر آن داشت تا پس از شناسایی همه رمان‌هایی که درباره جنگ در هر دو دوره منتشر شده‌اند و انتخاب رمان‌هایی که قابلیت تهیه فیلم و سریال را دارند، این مجموعه را فراهم سازیم.

کتاب حاضر خلاصه ۶۵ رمان در حوزه جنگ است، به همراه تحلیل کوتاهی از آن که می‌تواند به دست اندر کاران تهیه و ساخت فیلم و سریال‌های جنگی یاری رساند همچنین می‌تواند علاقه‌مندان و پژوهشگران به موضوع رمان جنگ را با خلاصه آثار نوشته شده در این خصوص آشنا کرد.

در پایان از دفتر مطالعات ادبیات داستانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به خصوص آقای پیروز قاسمی و همه عزیزانی که در تهیه این کتاب مرا یاری داندند کمال تشکر را دارم و نیز مدیونم به عزیزانی که تدوین این کتاب جز به همت و تلاش آنها میسر نمی‌شد، از جمله آقایان سید علی کاشفی، علی الله سلیمی و خانم‌ها شمسی خسروی، آرزوی خمسه و فرشته ولی مراد.

ابراهیم حسن بیگی

مهرماه سال ۱۳۸۲